



کرد آفریده: محمد باقر مظفری

سرگذشت شهید ناصر مظفری

(شامل مصاحبه‌ها، نامه‌ها و دست‌نوشته‌ها، عکس‌ها)

مظفری، محمدباقر، ۱۳۰۴-

پرتوی از شهود / محمدباقر مظفری

مشهد: شاملو، ۱۳۸۹

۱۹۲ ص.

۹۷۸-۶۰۰-۱۱۶-۲۰۹-۱

فیا

جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹-۱۳۶۷- شهیدان

شهیدان - ایران - بازماندگان -- خاطرات

DSR ۱۶۲۶/۵۵۸م ۱۳۸۹

۹۵۵/۰۸۴۳۰۹۲

۲۲۶۸۱۳۸

پرتوی از شهود

محمدباقر مظفری

لینوگرافی: پارسا

چاپخانه: کتیبه

چاپ اول، بهار ۱۳۹۰

شمارگان: ۱۰۰۰ جلد

قیمت: ۱۵۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۱۱۶-۲۰۹-۱

انتشارات شاملو

مشهد - خیابان مکت - بین مکت ۶ و ۸ - پلاک ۱۶۴

تلفن: ۰۹۱۵۱۱۵۶۰۸ - همراه: ۰۹۱۵۱۱۵۶۰۸

shamlo.pub@gmail.com



نشر شاملو

فهرست

مقدمه.....	۷
فصل اول: مصاحبه و خاطرات برادر سیدرضا طباطبائی.....	۱۱
فصل دوم: مصاحبه و خاطرات حجت‌الاسلام والمسلمین حسن اخلاقی.....	۳۷
فصل سوم: خاطرات محمدباقر مظفری پدر شهید.....	۶۱
خاطرات مادر شهید.....	۷۱
خاطرات برادر مصطفی زاده.....	۷۵
خاطرات محمود مظفری برادر شهید.....	۷۷
خاطرات برادر علیرضا آجیلان.....	۸۵
خاطرات برادر آزاده فخری.....	۸۷
خاطرات برادر محمد شاطری، هم‌سنگر شهید.....	۹۰
خاطرات محمد شاندیزی، صدای آسمانی.....	۹۳
حرف‌های ماندگار، خاطرات خود شهید که از نوار پیاده شده.....	۹۹
فصل چهارم: گزیده‌هایی از دست‌نوشته‌ها، اشعار مذهبی و انقلابی که از کتاب ۶۹ صفحه‌ای شهید اقتباس شده.....	۱۱۱
فصل پنجم: وصیت‌نامه و نامه‌ها.....	۱۵۹
وصیت‌نامه شهید.....	۱۶۰
نامه‌های شهید و دوستان شهیدش.....	۱۶۷
فصل ششم: عکس‌ها.....	۱۸۱

مقدمه:

در تاریخ و زمانی که ما در این سیاره پررنج زندگی می کردیم، سرنوشت زیادی از مردم با به صدا درآمدن شیپور جنگ دچار دگرگونی شگرفی شد.

عده ای با حضور در میدان نبرد، سختی حضور در سنگرهای آتش و خون را تجربه کردند.

جماعتی با به اسارت درآمدن، سال ها از نعمت آزادی و دیدار همسران و فرزندان و دیگر اعضای خانواده محروم شدند. در این میان تعدادی نیز با اهدای جان عزیز و شریفشان شربت شهادت نوشیدند و آسمانی شدند که خیل عظیمشان را جوانانی سر از پا نشناخته تشکیل می داد. جوانانی که در همسایگی من و شما پا به عرصه حیات گذاشتند، رشد کردند و بالیدند و آن گاه در سایه انقلاب اسلامی ره صدساله را یک شبه طی نمودند

(و عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ) شدند و عجیب آنکه بسیاری از آنان فقط ۲ یا ۳ دهه از بهار عمرشان گذشته بود و درست در روزهای شکوفایی پرپر شدند و عجیب تر آنکه قصه زندگی کوتاه آنان بسی حکایت‌های خواندنی دارد. ناصر مظفری جوان بیست ساله‌ای که در ۲۱ دی‌ماه ۱۳۶۵ به آسمان پرواز کرد.

شاید آن قدر مهم نباشد که بدانیم او کجا و در چه سالی به دنیا آمده و یا در چه وضعیتی از این دنیای فانی رخت بر بسته است. آنچه مهم است از او و همسالان او بدانیم این است که آن‌ها چه کردند که امروز برای جستجو در زندگی کوتاهشان ساعاتی از وقتمان را به مطالعه کتاب زندگی‌شان اختصاص می‌دهیم. درست همان چیزی که این کتاب به دنبال آن است. کتاب همسایه ما تنها بخش‌هایی از زندگی جوانی است که سرنوشتش با به صدا درآمدن شیپور جنگ از او انسان دیگری ساخت. جنگی که متفاوت از همه جنگ‌های سوم در دنیا بود، لذا بر خود لازم و واجب می‌دانم از کسانی

که مرا در تهیه این کتاب یاری رساندند تشکر و قدردانی
نمایم. از حجت الاسلام حسن اخلاقی - سیدرضا
طباطبائی - محمد شاندیزی - محمد شاطری - محمود
مظفری که با صبر و حوصله خاطرات آن سال‌های نورانی
را مرور کردند و نیز از برادر عزیزم حمیدرضا صدوقی
که از ارشادات و همراهی مخلصانه‌اش برخوردار بوده‌ام
تشکر و قدردانی می‌نمایم.

محمدباقر مظفری